

قلم معمار



معماری و نویسندگی با هم

زمانی که وارد رشته معماری شدم، در کنار رشته تحصیلی خود، به خواندن و نوشتن و به‌طور کل جهان ادبیات علاقه زیادی داشتم. همان‌طور که عرض کردم، من به هنر هم علاقه داشتم. در انتخاب رشته دانشگاهی با رشته معماری آشنا شدم. فکر کردم این رشته همان چیزی است که من دنبالش بوده‌ام و می‌توانم از کلاس‌های لذت ببرم. در واقع، انگار میان تمام رشته‌های انتخابی، «معماری» تنها رشته‌ای بود که به روحیات من نزدیک‌تر بود. پس طوری انتخاب رشته کردم که حتماً معماری قبول بشوم. به این ترتیب وارد رشته معماری شدم. دوره کارشناسی بلد نبود و بعضی کلاس‌ها و درس‌ها تا حدودی پاسخ‌گویی علاقه من بودند. در درس‌های نظری خیلی خوب بودم، اما در طراحی کمی بی‌حوصله بودم. علاقه من به نوشتن از دوره نوجوانی همراه بود. در همان دوره هم چندین مطلب در روزنامه‌های کرمانشاه چاپ کرده بودم. در دوره کارشناسی با چند رسانه و مجله همکاری جدی‌تری داشتم. در آنجا هم چندین مطلب به چاپ رساندم. علاقه من به هنر و نوشتن، مرا به سمت رشته مطالعات معماری سوق داد که یکی از گرایش‌های رشته معماری در دوره ارشد بود. این گرایش به نوعی هر دو علاقه مرا در بر می‌گرفت. در رشته مطالعات معماری اغلب کارهای شما فکری و نظری است و هر آنچه در ذهن هست، باید به شکل نوشتار در آید. اما شاید ورود من به این رشته، بیشتر از سر شانس و تصادف بود؛ چرا که من آن‌طور که باید برای آزمون سراسری ارشد نخواندم و حتی در جلسه آزمون سراسری هم به لطف یکی از مراقب‌های امتحانی، درست وقتی که تصمیم به ترک جلسه داشتم، ماندم و در آن وقت اضافی چند نمونه‌تست (از درس‌های دیگر را جواب دادم. به نظرم همان چند نمونه باعث شد بتوانم در آزمون مرحله اول که آزمون‌های تستی) بود، رتبه خوبی در گرایش مطالعات معماری کسب کنم. اینکه در آزمون عملی سراسری هم توانستم رتبه یک بیاورم، از آن جهت بود که من سال‌ها تجربه نوشتن و کار پژوهشی و استدلالی داشتم و همین تجربه و علاقه به هنر نوشتن باعث شد بتوانم در بخش آزمون عملی به خوبی عمل کنم. به این ترتیب توانستم در دانشگاه تهران وارد دوره کارشناسی ارشد مطالعات معماری شوم.

از همان سال شروع کردم به نوشتن درباره هنر معماری و مطالب متنوعی در مجلات و نشریات معماری به چاپ رساندم. در سال ۹۵ با همراهی دیگر دوستان علاقه‌مند، رسانه‌ای به نام «کوبه» راه انداختیم تا در آن به مباحث معماری ایران و تاریخ آن پردازیم. هم‌زمان با این

در این شماره از مجله به سراغ شخصی رفته‌ایم که در یکی از زیباترین ابداعات هنری تخصص دارد. شاید بعضی از ما وقتی در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر یا خیابان‌های شلوغ آن در حال پیاده‌روی هستیم، چشمانمان به تماشای ضیافت ساختمان‌ها بنشینند. شاید بعضی‌هاشان پیر شده و پشت قامت برج‌های جوان گم شده باشند و بعضی‌ها هم هنوز با نمای آجری‌شان دلبری کنند. اما تمام آن‌ها حاصل فکر هنری معماران خوش ذوقی هستند که سعی داشته‌اند بنای زیبایی بسازند و کسی چه می‌داند، شاید وقتی آجر روی آجر گذاشته می‌شود، این معماران خوش ذوق، با همان بناهای نیمه حرف می‌زدند و شاید حتی دلشان می‌خواست از این بناها بنویسند. بله، در این شماره به سراغ جناب کامیار صلواتی رفتیم تا ببینیم چطور شد معماری را با کلمات به روی کاغذ می‌آورد و چطور این دو هنر را با هم پیش می‌برد؟

کامیار صلواتی سردبیر مجله دالان است؛ مجله‌ای که درباره خیابان‌های مهم و معروف شهرهاست. در هر شماره از دالان درباره یکی از خیابان‌های مشهور اطلاعاتی به مخاطب داده می‌شود.

فعالیت مستقل، باهم‌شهری

معماری نیز همکاری داشتم و مطالبی در آن به چاپ رساندم. بعد از آن در رسانه‌های رویدادهای معماری نیز فعالیت داشتم و می‌نوشتم و با بسیاری از نشریات و رسانه‌های دیگر مثل «ماه‌ور، نویز، گفت‌وگوی هارمونیک، هنر معماری، دریچه معماری، شبیه و شهر کتاب» نیز همکاری داشتم. تا سال ۹۷ که تصمیم جدی گرفتم رسانه‌ای مستقل داشته باشیم که بتواند هر دو علاقه هنری من را در بر بگیرد. با همراهی یکی دیگر از دوستانم که قبلاً هم‌کار بودیم، یعنی آقای حسین ذبیح، قدم‌های اول شکل‌گیری دالان را برداشتیم. در واقع، آینده مطلوب هنری که هر دو علاقه من در زمینه نوشتن و معماری بود، در دوره ارشد فرصت رشد بیشتری پیدا کرد. چرا که واقعا با وجود اینکه با علاقه زیادی وارد رشته معماری شده بودم، با اتمام تحصیل در دوره کارشناسی و ورود به بازار کار آن، کاملاً متوجه شدم من روحیه ایسن کار را ندارم که درگیر مباحثی مثل درگیری با کارفرما



هنرجویان را به روز و عمیق کند؛ به خصوص هنرجویانی که اهل نوشتن نیز باشند، با وجود دالان متوجه می شوند چطور می توانند هر دو هنر را با هم پیش ببرند و به آنچه می خواهند برسند.

آنچه از دنیای هنر معماری نمی دانیم

در فضای دانشگاهی، خلاقیت و ویژگی های زیبایی شناسانه معماری مهم است، اما در دنیای واقعی مواردی مثل قیمت زمین و مصالح و غیره، شما را از آن فضا دور می کنند. البته این موضوع منطقی است، چراکه دانشگاه فضایی کاملاً دانشگاهی دارد. اما من فکر می کنم، یکی از ایرادهایی که به رشته معماری وارد است، همین است که این انفصال و جدایی از دنیای واقعی میان معماری دانشگاهی با معماری خارج از آن بسیار زیاد است.

در فضای تحصیلی، به اقتضای محتوای درسی، باید روی مسئله ای کار و چیزهایی را طراحی کرد که می توان گفت بعضی از آن ها هرگز قرار نیست به طور مستقیم در دنیای بیرون از دانشگاه به کار بیایند و از آن استفاده کنید. البته این مسئله، نکته مثبتی هم دارد و آن اینکه شما در همین فضای دانشگاهی می توانید آزادانه طراحی کردن را تجربه کنید، چرا که خارج از این چارچوب و به خصوص در اول مسیر، شما باید طبق اصول و آنچه کارفرما از شما می خواهد، دست به طراحی بزنید و این موضوع دست معمار را در طراحی می بندد.

معماران نویسند

نویسندگان مجله ما، دالان، و اعضای تحریریه، بیشتر بچه های دانشگاهی هستند که با وجود داشتن تفاوت های فکری، در نهایت یک مسیر را دنبال می کنند؛ زمانی که این مجله راه افتاد، اینترنتی بود، اما بعدتر، به دلیل استقبالی که از آن صورت گرفت، بعد از تلاش های بسیار، به این دفتر مجله ای رسیده ایم که امروز خانه دالان است. آنچه ما را در این مسیر کمک کرد، علاوه بر کمک حامیان و همراهی شان، همین نیروی جوانی و خوش ذوقی و خوش فکری است. با وجود چنین نیرویی در اطرافمان، ذوق شکل گیری دالان چندبرابر می شد، چراکه کسانی را می دیدیم که در زمینه های پژوهشی، تحریری و معماری توانایی بسیار بالایی دارند، اما آن طور که باید از آن ها استفاده نمی شود. پس دالان شکل گرفت تا ظرفیت های یک گروه جوان توانمند را پدیدار کند.

و پیمانکار و مسائل اقتصادی پروژه های معماری باشم. من به دنبال نزدیک شدن به هنر وارد رشته معماری شده بودم و با اتمام دانشگاه این قرابت را حس نمی کردم، چراکه فضای دانشگاهی رشته معماری از فضای کاری خارج از دانشگاه آن بسیار متفاوت است. اما مطالعات معماری ادغام علاقه های من بود. با کمک این رشته به نوشتن و معماری رسیدم. ورود به کار رسانه برای من کمک کننده بود و مرا هزار بار بیشتر به هدفی که می خواستم نزدیک کرد. قطعاً فقط از معماری نوشتن نمی تواند نهایت خواسته ام باشد، من می خواستم در حوزه رسانه معماری کسی باشم که صاحب سبک است و نام و نشانی دارد و این یکی از دلایلی است که دالان به این شکل در آمده است. (حالا که در بسیاری از نقاط کشور هنرستان وجود دارد و تنوع رشته های هنری - عملی در آن ها زیاد است، دالان می تواند فضای مطالعاتی جذابی برای هنرجویان رشته معماری باشد و اطلاعات